



۲۰۱۴/۱۰/۰۷



صالحه واهب واصل

## پاسخ با شرح جزئیات به مقاله زبان شناس توانا استاد هاشمیان در ارتباط با «استندرد سازی زبان» (قسمت دوم)

پاسخ با شرح جزئیات به مقاله زبان شناس توانا استاد هاشمیان در ارتباط با «استندرد سازی زبان» (قسمت اول)

نکته دیگری که می‌خواهیم کوتاه توضیح دهیم و برای شما هم سؤال بر انگیز بوده است و فرموده اید که: "در پاراگراف مطرح شده فوق محترمه میرمن واهب واصل، من معنی این جمله": عقیم بودن زبان در تکنالوژی آپریتنگ سیستم امروز "...را نفهمیدم، چونکه نمیدانم زبان چطور در" تکنالوژی آپریتنگ سیستم "عقیم شده میتواند؟

اگر از جنبه تخنیک پیشرفته و پیچیده کامپیوتری بگذریم، زبانهای ما در بخش گفتار و نوشتار که درین مبحث مطرح شده، هرگز عقیم نشده و عقیم شده نمیتوانند. اینست ادعای یک زبانشناس، به اساس معنی کلمه "عقیم"، بمعنی (غیر مولد) اما شاید در "سیستم امروزی تکنالوژی آپریتنگ" نیرنگ ها و مراحل مضر باشند که زبان را عقیم بسازند و من آنها را نمیدانم که از غفلت خود معذرت می‌خواهم"

بلی عقیم بودن زبان در کنار ناقص بودن آن در تکنالوژی اطلاعاتی را چنین میتوانیم با مثالی وضاحت دهیم: در دلیل اساسی این نقص و عقیم بودن زبان های ملی ما در تکنالوژی اطلاعاتی کم توجهی مسؤولین ذیربط به آینده نامطلوب انکشافی زبان و عدم مسؤولیت پذیری کارشناسان متخصص در زمینه بوده که منافع ملی ما را تحت انحصار فرهنگی و ادبی ایران قرار داده است. جهت توضیحات مزید به لینک ذیل مراجعه شود.

### اگر امروز اقدام نکنیم فردا دیر خواهد بود- نتیجه گیری و بخش اخیر

نیشته به گفتار) به اول ها ( فتحه، کسره، ضمه، تنوین و غیره) اشد ضرورت است. زیرا ما کلماتی داریم که از روز اول با همزه و یا الف همزه دار و یا تنوین به ما تدریس و آموختانده شده مانند: تأمین، تأثیر، تأثر، تأسف، تأخیر، مؤسسه، مؤدب، مؤنث، مؤلف، متأسفانه، جداً، قصداً، قسماً، احتمالاً، مؤثر و دهها کلمه دیگر. حالا اگر این کلمات به «دیتابیس صدا» بدون حروف و اول ذخیره میشود علاوه بر این که ناقص است، معنی کلمه هم درست نیست یعنی که در معنی و تلفظ عقیم می ماند، همچنان اگر ما کلمه (تأمین) را به طور مثال (تأمین) مینویسیم، ( TTS نیشته به گفتار) از «دیتابیس صدا» این حروف (ت- ا- م- ی- ن) را تشخیص نموده جدا میکند ولی آنرا (تأمین) نمی بیند بلکه (تاامین) می بیند و (تاامین) تلفظ میکند. که (تاامین) معنی (تأمین) را ندارد، البته شما خود هم با ظرافت خاصی درین زمینه مثال های خوبی را از هر دو زبان ملی ما پشتو و دری یاد آوری نموده اید مثل: "یکده جوانهای دری زبان، کم سواد و نو به دولت رسیده، مؤظف در مطبوعات و تلویزیونها میخوانند کلمات بسیار غنیمت زبان عربی را که از ۱۳۰۰ سال به اینطرف جزء زبان دری شده، آنها را متروک قرار داده و کلمات نو فارسی ایرانی را جانشین آنها سازند - یکده نویسندگان پشتو زبان ما نیز کلمات عربی ( یعنی) را (یانی) و (معنی) را(مانا) مینویسند"

یک مثال زنده دیگر هم میتواند کلمات (جدا و جدا) باشد که اگر «جدا» بدون تنوین نوشته میشود (جدا) خوانده شده و معنی کلمه را در جمله شدیداً ضربه میزند و اگر جدن نوشته شود شما که خود میدانید..... و همین قسم ده ها کلمه دیگر. چنانچه تأکید خود شما به اساس علم زبان شناسی درین بوده است که: "علم زبانشناسی زبان مکتوب (زبان

نوشتار) را "تصویر نادرست زبان گفتار" پنداشته، تحقیقات علمی خود را همیشه بالای زبان گفتار انجام میدهد، زیرا در زبان گفتار اصوات ( علم الاصوات) شامل است و تحقیق بالای اصوات زبان سهل تر و واضح تر از طریق زبان گفتار میسر است نه از طریق زبان نوشتار. بانک جهانی اصوات زبان دارای ۷۲ صوت است و هر زبان سهم صوتی خود را از این بانک میگیرد. نکته مهمتر برای رجحان زبان گفتار اینست که تا کنون حدود نیم نفوس بشر در کره زمین بیسواد میباشند- علاوه بر هیچ رسم الخط (الفبا ها و اشکال مختلف زبان نوشتار) ارزش واقعی اصوات زبان گفتار را در بر نداشته، بلکه رویت تمثیلی دارند. مثالهای درین باره در صفحات بعدی ارائه خواهند شد" پس نتیجه بر آن است که اگر تلفظ کلمه اشتباه باشد، کلمه درست نیست و وقتی کلمه درست نوشته نشود، (نبنشته به گفتار tts) آنرا درست تلفظ نمی تواند که مثال های آن در فوق شرح داده شده است. پس نتیجه می گیریم که زبان نوشتاری به همان اندازه مهم و ضروریست که زبان گفتاری. زیرا این زبان نوشتاریست که زبان گفتاری را میسازد. که همین نوشتن اشتباه کلمات یک مشکل بزرگی در تکنالوژی (نبنشته به گفتار TEXT TO SPEECH و وایس ریکوگنیشن VOICE RECOGNITION).

(VOICE RECOGNITION) یا شناسایی صدا که میتواند به تکنالوژی های مختلف از قبیل «گفتار به نبنشته» یعنی برعکس «نبنشته به گفتار»، «گفتار به انجام عمل SPEECH TO EXECUTION» و غیره در آینده نه چندان دور رول بسی مهمی را در زندگی روزمره انسان ها خصوصاً در نقش روباتیک (ROBOTIC) بازی خواهد کرد. که به امید خدا در آینده ها، روی آن در قالب یک مقاله دیگر صحبت های خواهیم داشت.

شما میفرمائید که: "علت دیگری که نمیتوان زبان نوشتار دری و پشتو را معیاری ساخت مداخلات و نفوذ روز افزون کشور های همسایه است. زبان پشتو تحت تاثیر کلمات و اصطلاحات جدید ساخت پوهنتون پشاور واقع شده، سبک نگارش یکعده پشتونها نیز تحت تاثیر سبک پشتوی یوسفزی قرار گرفته است. حکومت ایران رسماً و علناً با اعمال نفوذ مصروف بوده، اجنت هایی به داخل حکومت افغانستان داشته و دارد که اهداف ایران را تطبیق میکرده اند. آقای سید مخدوم رهین که در اواخر دهه ۰۸ م بحیث استاد در پوهنج ی ادبیات شامل شد، هم به لهجه ایرانی تلفظ میکرد، هم طرز تفکر ایرانی داشت و هم از مدعیات ایران به ارتباط قدامت و اصالت زبان فارسی (نه دری) دفاع میکرد و تا امروز در خدمت مقاصد ایران قرار داشته، همه کلمات و اصطلاحات فارسی ایرانی به اجازه او داخل افغانستان شده اند".

از نظر ما هیچ چیزی ناممکن نیست، اگر زبان هایی ملی ما به زود ترین فرصت استاندارد سازی یا معیاری گردد و به وجه درست آن در میدیا (تصویری و صوتی)، مکاتب و پوهنتون ها از طریق کتب و پروگرامهای درسی تبلیغ و تدریس شود. اما؛ در قدم اول وزارت اطلاعات کلتور به پشتیبانی و تمویل مالی دولت بر سر اقتدار، قانون میدیا را باید تصویب و جداً نه «جدا» عملی نماید. قسمی که از ورای گفتار رئیس جمهور منتخب فعلی کشور جناب اشرف غنی احمدزی معلوم میشود، خوشبینی هایی را در اذهان ملت ایجاد کرده که خاصناً درین عرصه امید بخش است.

شما در جایی میفرمائید: "پیرامون تجویز معیاری ساختن مجدد زبانهای ملی ما" خاطر نشان میشود که زبانهای ملی ما هرگز در گذشته معیاری نشده اند، و هرگاه صحبت از معیاری ساختن یک زبان بمیان می آید، اولتر باید ساحة آن تشخیص شود، زیرا زبان پدیده ایست با ابعاد متعدد که همه ابعاد آن معیاری شده نمیتوانند"

با تمنای عفو تقصیرات عرض شود که: گرچه ما بخود اجازه نمی دهیم که زبان در برابر خدایان زبان شناسی باز کنیم اما؛ تا حد آگاهی ای که داریم زبان کتبی و رسمیات ما در مکاتب و پوهنتون، خود یک زبان استاندارد بوده و هنوز هم است فقط با تفاوت اینکه شاید در آن زمان زیر نام استاندارد سازی زبان تنظیم نگردیده بود. اگر خواهیم گفته خود را با یکی از مثالهای موجود درین زمینه وضاحت بخشیم. چاپ و تدریس کتاب «قرائت فارسی» در تمام مکاتب شهر ها، ولایات، قریه جات و قصبات افغانستان بود که در دوره ابتدائیه در مکاتب تدریس میشد. بدون شک در شکل و ساختمان بیرونی و خوردی و بزرگی آن تفاوت هایی وجود داشته اما محتوا و زبان استفاده شده در آن همانا زبان رسمی و کتبی دری اصیل بوده است. درین جای شک نیست تا جائیکه ما به یاد داریم، در افغانستان کمسیون و یا کدام نهاد ادبی و فرهنگی وجود نداشته که روی استاندارد یا معیار سازی زبان فعالیت های متداومی داشته بوده باشد.

اینکه در ارتباط با مراحل چهارگانه زبان فرموده اید که: "علم زبانشناسی انکشاف زبان را در چهار مرحله تشخیص نموده است": بسیار زیبا و بجاست. (فهمیدن، گفتار، نوشتن و خواندن)، که طفل این مراحل را از نخستین روزهای زندگی اش تا سن سه سالگی به ترتیب می آموزد. پیرامون این موضوع نکته بسیار مهمی را که به اجازه شما میخواهیم درین بخش اضافه کنیم، نقش هر خانواده در آموزش زبان از آغاز نو زبانی طفل است. بدون شک هر مادر

و پدر حق مسلم دارند که با اطفال نو زبان شان با زبان روزمره خود و با لهجه معمول خود شان صحبت کنند، اما باید توجه بسیار جدی داشته باشند که کلمات بیرونی و بیگانه را در چنین مرحله حساس زندگی که برای طفل سر نوشت ساز است با آنها به طور معمول و همه روزه صحبت نکنند زیرا مغز طفل درین دور زندگی هر چیزی که به او گفته و شناخته شده میشود ثبت حافظه اش میسازد و تا زنده است آنرا در گفتار و نوشتارش بکار میبرد. البته درین بخش علاوه بر خانواده طفل، جامعه و میدیا در زیر چتر یک حکومت ملی هم نقش به سزایی دارند خاصاً بعد از سنین پنج و شش که طفل شامل مکتب میشود و زبان را به شکل رسمی و استندرد آن می آموزد.

روی همین دلیل است که تقریباً اکثر ممالک جهان در کنار لهجه ها و حتی زبان های مختلف قومی و منطقوی در کشور های شان یک یا دو زبان استندرد عمومی و رسمی دارند که تمام مسایل رسمی، دفتری و میدیا و همچنان تدریس در مکاتب و پوهنتون های شان را با همان زبان استندرد انجام می دهند. به عبارت دیگر زبان استندرد در یک مملکت، در حقیقت در قدم نخست وسیله مکالمه بین مناطق، ولایات و شهرهای خود یک مملکت است که در کنار آن هم در تشکیل ملت سازی نقش به سزایی را بازی می کند و در قدم دوم وسیله مکالمه این کشور با جهان بیرون می باشد.

**"شما میفرمائید که: از آنجای که معیاری ساختن زبان نوشتار "از طریق اصلاحات در زبان گفتار میسر شده میتواند، در کشوری مانند افغانستان که بیسوادی ۸۲٪ است، اولتر باید به اصلاحات لهجه ها پرداخته شود و اینکار شاید چند قرن را در بر بگیرد!"**

از نظر ما اصلاح کاری لهجه علاوه بر اینکه مهم نیست ضروری هم شمرده نمی شود و ما حق این را هم نداریم که لهجه مردم را که با آن تولد و بزرگ شده و عمری هم با آن صحبت و عادت کرده اند، از ایشان بگیریم. اما؛ این یک امر حتمیست که هر مملکت به حساب یک معیار بین المللی برای سهولت در مکالمه داخلی کشور و با جهان بیرونی یک زبان استندرد داشته باشد و کشور ما هم محتاج همچو یک استندرد سازی زبان است.

شما در بخش دیگر نوشته تان میفرمائید که: "زبان نوشتار در کشور های که سواد آموزی در آنجا تعمیم نیافته، شکل زبان عامیانه و زبان فولکلوریک را اختیار کرده، یعنی آنچه بشکل عامیانه و فولکلوریک نوشته میشود خوبتر از زبان گفتار عامه مردم نمایندگی میکند. و هم اینکه عدم اعتناء مردم به املاء (در نگارش عامیانه) و اعتناء بیشتر مردم به درک معنی از طریق متوجه شدن به نظم جملات (مسند و مسندالیه و متعلقات آنها)، سد بزرگیست در راه معیاری ساختن زبان نوشتار در افغانستان"

در قسمت مسائل فولکلوریک، با همه احترامی که به نظر صائب شما داریم ما به این عقیده هستیم که ایجاد و تنظیم زبان استندرد در نوشتار زبان به شکل فولکلوریک هیچ نوع ممانعتی را برای استندرد (معیاری) سازی زبان ایجاد نمی کند. زیرا استندرد (معیاری) سازی زبان برای زبان کتبی و رسمیست که در مکاتب و پوهنتون ها تدریس، و در رسانه های تصویری و رسمی با آن صحبت میگردد. وقتی الفباء زبان یکبار در «دیتابیس صدا» ثبت میشود و سیستم نبشته به گفتار حروف را با تون یا آهنگ آن میشناسد، دیگر ضرورت این نمی رود که این الفباء بار بار به کمپیوتر شناخته شده شود. قسمی که شما فرموده اید "کسی که داستان، طرح و یا قصه ای را با زبان فولکلوریک مینویسد"، چون زبان فلکلور چیزی اضافه تری در حروف الفباء ندارد برای سیستم کمپیوتری فرق نمی کند که یک کلمه به «س» نوشته شده باشد، یا به «ص» و یا به «ث». هنگام (نبشته به گفتار یا TEXT TO SPEECH) از جانب کمپیوتر همان آهنگ اداء میشود که نوشته شده است. لهدا در شناسایی زبان به شکل اساس آن با علامات فارقه و تنوین، چون برای کمپیوتر از قبل آشنا است رکود در کار صورت نمی گیرد.

شناسایی حروف الفباء با علامات فارقه و تنوین در شروع کار در آپریتنگ سیستم های کمپیوتر خیلی ها مبرم و حتمیست. چرا؟

ما داریم کلماتی بسیار معمول و مهمی که شما عزیز گرامی هم به آن اشاراتی داشتید در ارتباط با مسائل فلکلوری که کتبی قسمی دیگری نوشته میشود و به صورت عامیانه قسم دیگری تلفظ میگردد. مثلاً معلوم و مالوم، و یا مطمئن و مطمین و یا شوهر و شوی، آهسته و آستا، مزاح و مذاق و... و... که این کلمات در سیستم کتبی و فلکلوری برای کمپیوتر مشکلی خلق نمی کند. اما کلماتی مانند: مسئله، تأکید، مؤلف، اکثرأ، اتکاء و ده ها کلمه دیگر که در فوق تذکر داده شده با اکید «ء» باید تلفظ شود در غیر آن معنی ندارد، برای کمپیوتر ایجاد مشکل میکند. درست است که ما

د پانو شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

برای کسانی که در افغانستان با زبان دری تولد شده اند و یک عمر صحبت و تحصیل کرده اند، اگر تأسیس را تاسیس بنویسیم نظر به ترکیب جمله و موقف کلمه در جمله، میدانند که هدف «تأسیس» است و همان قسم میخواند. اما اگر این جمله ما را یک طفل افغان که در خارج از کشور بزرگ شده و میخواهد زبان مادری اش را از طریق انترنت بیاموزد، چگونه خواهد خواند و چگونه باید بیاموزد؟

روی این دلیل در ذخیره حروف زبان های ملی ما دادن علامات فارق و تنوین به «دیتاییس صدا» برای درست تلفظ نمودن کلمات اصیل یک امر حتمی میباشد. ولی در نوشتن مورد استفاده ندارد مگر که ضرورت حتمی باشد مانند مثال های زیر:

(سَر، سیر، سُر)، (دَر، دُر)، (سیر، سیر، سیر، سیر)، (شیر، شیر، شیر)، (دور، دُور)، (سَم، سَم)، (کَل، کَل)، (عَلَم، عَلم)، (کِرده، کِرده)، (نَفس، نَفس)، (عُمر، عُمر)، (عَالِم، عَالِم)، (خَم، خَم)، (مَسیر، مَسیر)، (شِگفت، شِگفت) و امثالهم.

پس استاندارد (معیاری) سازی زبان قسمی که گفته شد برای زبان کتبی و رسمیت که در مکاتب و پوهنتون ها تدریس، و در رسانه های تصویری و صوتی با آن صحبت میگردد. اما؛ موضوعات لهجه و فلکلور به شکل متذکره در فوق هیچ نوع ممانعتی را برای استاندارد (معیاری) سازی زبان ایجاد نمی کند. موارد بسیار اهمی که وابستگی خاصی میتواند با استاندارد سازی زبان داشته باشد از نظر ما عبارت اند از:

- در صورت مراعات جدی قانون میدیا زیر چتر یک حکومت مسؤول بر سر اقتدار زبان های ما که در حقیقت یک سرمایه ملی ماست از تهاجم فرهنگی بیگانگان حفظ میگردد.
- بهترین وسیله تقویت ملت سازیست در سراسر کشور.
- ادغام زبان های ما در تکنالوژی اطلاعاتی و جلوگیری از ناقص بودن و حتی نابود شدن آن.
- نجات نسل جوان آینده از سردرگمی های زبانی
- .....

**نوت:** نکته قابل یاد دهانی اینست که هدف از نوشتن و نشر مقالات محترم انجنیر قیس کبیر و اینجانب در ارتباط با استاندارد سازی زبان های ملی ما، به هیچ صورت تبارز دادن دانش و یا تخصص ما در رشته زبان شناسی و تحصیلات ما درین رشته نبوده و هم سواد آگاهی ما درین عرصه در برابر خدایان زبان شناسی کشور قاصر تر از حدود حدس شماسست. لهذا وضاحت این موضوع را در مقطع این جوابیه به این ضروری دانستیم که همه مساعی و جد و جهد ما از نشر این مقالات و هم در دسترس قرار دادن اندوخته های بزرگان ادب کشور، رسانیدن آوای ملت به گوش مسئولین و مقامات بلند مرتبه حکومتیست و آگاهی شان از بزرگ ترین خطر نابودی زبان های ما در آینده نه چندان دور در تکنالوژی اطلاعاتیست که از نگاه تخنیکی نظر به استفاده کثیر روز مره ما، هر لحظه از تکنالوژی و امکاناتش با آن رویرو می گردیم. امید است بزرگان قلم بدست ما این جسارت ما را که حفظ و نگهداشت منفعت ملی مردم ما (زبان های ملی ما) از نابودی، مرام نهایی آن است، فرا کشیدن پای ما از گلیم ما، تلقی نکنند.

(قیس کبیر و صالحه و اهب و اصل)

پایان

د پانوی شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلو. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ